

- فصل هفدهم - در باب ظلم و ترحم و اینکه کدام یک بهتر است. ۱۰۱
- فصل هیجدهم - در باب اینکه چگونه باید شهریاران قول خود را نگاهدارند ۱۰۶
- فصل نوزدهم - در باب اینکه پادشاه باید چنان باشد که... ۱۱۰
- فصل بیستم - در باب قلاع و استحکامات مقتضی و... ۱۲۲
- فصل بیست و یکم - چگونه یک شهریار باید رفتار کند... ۱۲۸
- فصل بیست و دوم - در باب وزراء و درباریان پادشاه ۱۳۳
- فصل بیست و سوم - از متملقین احتراز باید جست ۱۳۵
- فصل بیست و چهارم - چرا شهریاران ایتالیا ممالکشان را از دست دادند؟ ۱۳۸
- فصل بیست و پنجم - بخت و اقبال چه اثری می تواند در... ۱۴۱
- فصل بیست و ششم - یک پند و اندرز برای نجات ایتالیا... ۱۴۶

«عقاید مکیاولی پس از چهارصد سال»

دورهٔ تجدد اخیر از ایتالیا شروع می‌شود بدین ترتیب که با نوشتجات و کتب پترارک^۱، (۱۳۰۴ - ۱۳۷۴) بعد از میلاد آغاز گردیده و با نوشتجات و کتب مکیاولی^۲ (۱۴۶۹ - ۱۵۲۷) به آخر می‌رسد.

این تجدد ادبی - علمی و فلسفی در ایتالی به افکار دوره قرون وسطی خاتمه داد و افکار دیگری که از علوم و فلسفه قدیم روم و یونان سرچشمه می‌گرفت جای‌گزین آن گردید. این افکار در روحيات ادباء و علماء ایتالی فوق‌العاده مؤثر واقع شده و بعدها یک تغییرات کلی در افکار تمام ملل اروپایی پیش آورد.

در طی قرون چهارده و پانزده از ایتالیا مخصوصاً از قسمت کوچک آن فلورانس^۳ یک عده مردمان فوق‌العاده و اهل علم و دانش بیرون آمده‌اند که کمتر ملتی می‌تواند در چنین مدت قلیلی به داشتن آنها افتخار نماید.

تجدد علمی و ادبی که در میان نویسندگان اروپایی به رنسانس^۴ معروف شده است مدیون فضل و دانش همین عده مختصر ایتالیایی است که عالم مسیحیت و دنیای اروپا را از تحت نفوذ افکار و عقاید نویسندگان کلیسای روم نجات دادند یعنی افکاری که پس از برانداختن علوم و افکار و فلسفه روم و یونان قدیم در قرن چهاردهم بعد از میلاد تقریباً در مدت هزار سال یا کمتر بر دنیای متمدن تحمیل شده بود.

پترارک و یک عدهٔ قلیل دیگر مجاهدت نمودند تا افکار را به طرف علوم و فلسفه